

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن - المان
۱۱ جنوری ۲۰۰۹

تلیفون نامه

در بازار هنگام خرید

تلیفون کردم و بازار بودی
به آزار دل بیمار بودی
نمی دانم سواره یا پیاده
که تنها یا که با اغیار بودی
رقیبان بر سر راهت ستاده
گل خوشبو، ولی با خار بودی
به تن کردی لباس ارغوانی
متاع و ارزش بازار بودی
گل بشگفته ای در شاخه عشق
گهی نور و گهی هم نار بودی
خرامان هرطرف چون کبک دری
گهی مست و گهی هشیار بودی
مواظب باش، در دامی نیفتی
که صیاد هوس، مکار بودی
هوس کردم، که احوالت بگیرم
گمانم از منت، بیزار بودی
گهی حمام و گه در خواب و گاهی
به مهمانی و گه بازار بودی
به آشپزخانه و گاهی به کیلر
بهانه کرده مهماندار بودی

امید و آرزویم آنکه روزی
به منزل حاضر و بیکار بودی
ببوسد از وفا « نعمت » لبانت
که درمان دل بیمار بودی